

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: میشپاتیم ۵۷۷۹

دوست داشتن غریبان

ربای لرد جانانان ساکس

Loving the Stranger

(Mishpatim 5779)

فرمان هایی هستند که به سبب قدرت اخلاقی ناب خود برجسته می شوند. وضع قوانین اجتماعی در پاراشای میشپاتیم تورات از این دست است. در میان قوانین پیچیده رفتار با بردگان، آسیب جسمی و مالکیتی، یک دستور خاص به دلیل تکرار آن (دو بار در همین پاراشا) و استدلال تاریخی - روانشناختی نهفته در آن، برجسته می شود:

با یک فرد غریب بدرفتاری یا ستم نکنید، زیرا غریب بودید در مصر. (خروج ۲۲:۲۰)
به یک فرد غریب ظلم نکنید؛ شما خود می دانید که غریب بودن چه حسی دارد [به معنای تحت اللفظی، "از دل غریبان خبر دارید"]، زیرا خود در مصر غریب بودید. (خروج ۹:۲۳)

میشپاتیم قوانین اجتماعی بسیاری دربردارد - برای نمونه، منع سوء استفاده از بیوه زنان و یتیمان، یا گرفتن بهره برای قرضی که به هموند ایمانی خود داده می شود، منع رشوه و بیعدالتی و غیره. اما اولین و آخرین این قوانین، تکرار منع آزار یک گری یا "فرد غریب" است. آشکار است که نکته ای اساسی در دیدگاه تورات پیرامون نظم اجتماعی عادلانه و همراه با رحمت، وجود دارد.

اگر فردی فرزند یک تغییر دین داده بود، نباید هنگام تدریس به او گفت: " به یاد بیاور کارهای اجداد خود را"، زیرا آمده است: با فرد غریب بد رفتاری و ستم نکن." حکیمان در تورات تاکیدهای مکرر بر روی غریبان را مشخص کرده اند. بنا به نظر ربی الیعزر، تورات "در سی جا نسبت به بد رفتاری با غریبان هشدار داده است؛ برخی دیگر می گویند در چهل و شش مورد".¹

رقم درست هر چه باشد، این تکرار در کتاب های موسی امری برجسته است. گاهی غریبان در کنار فقیران آمده؛ جاهای دیگر همراه بیوه زنان و یتیمان. در موارد بسیاری، تورات به طور مشخص می گوید: "باید همان قوانینی که برای افراد بومی داری، برای غریبان نیز داشته باشی".² نه تنها نباید با غریبان بد رفتاری شود، بلکه باید خیرات و صدقات بنی اسرائیل / جامعه یهود، شامل حال آنها هم بشود. اما قانون، فراتر از این می رود؛ باید غریبان را دوست داشت: وقتی غریبی در سرزمین شما زندگی می کند، با او بد رفتاری نکنید. باید با غریبی که در میان شما زیست می کند، همان گونه رفتار کنید که با افراد محلی. او را مانند خود دوست بدارید، زیرا شما در مصر غریب بودید. من خداوند هستم، خدای شما. (لاویان ۳۴-۱۹:۳۳).

همین توضیح در سفر لاویان به شکل این دستور آمده: "همسایه ات را مانند خودت دوست مدار" (لاویان ۱۹:۱۸). موسی جلوتر، در سفر تثنیه روشن می کند که این صفت خود خداوند

¹ Bava Metzia 59b.

² Exodus 12:49; Leviticus 24:22; Numbers 15:16, 29.

است: "زیرا خداوند، خدای تو، خدایِ خدایان و سرورِ سروران است، خدایِ بزرگ، قدرتمند و شکوهمندی که تبعیضی نمی گذارد و رشوه نمی پذیرد. او یتیمان و بیوه زنان را دادرس است، غریبان را دوست دارد و به آنان غذا و لباس می دهد. و شما باید آنهایی را که غریب هستند، دوست بدارید، زیرا خود غریب بودید در مصر." (تثنیه ۱۹-۱۰:۱۷)

منطق این دستور چیست؟ عمیق ترین تفسیر را نحمانیدس ارائه داده است:

تفسیر درست به نظر من این است که خداوند می گوید: با فرد غریب بد رفتاری یا ستم نکنید با این گمان که هیچ کس نمی تواند او را از دست شما نجات دهد؛ زیرا می دانید که در سرزمین مصر غریب بودید و من ستم مصریان بر شما را دیدم و انتقام شما را از آنها گرفتم، زیرا من اشک های ستمدیدگان و بی پناهان را می بینم... به همان ترتیب، شما نباید به بیوه زنان و یتیمان ظلم کنید، چون فریاد آنها را خواهم شنید، زیرا همهٔ مردمان نه بر خود، بلکه بر من اتکا دارند.

در آیه ای دیگر، خداوند این دلیل را می افزاید: شما می دانید غریب بودن چه احساسی دارد، زیرا خود غریب بودید در سرزمین مصر. به آن معنا که هر غریبی احساس افسردگی می کند و همواره آه کشیده، فغان سر می دهد و چشمانش همیشه به سوی خداوند است، بنابراین، خداوند به او رحمت دارد، همان گونه که رحمت خود را به شما نشان داد [و چنین است که او به همهٔ ستمدیده ها رحمت دارد].³

بنا به نظر نحمانیدس، دستور فوق دو بُعد دارد. نخست، بی قدرت بودنِ نسبیِ فرد غریب. او در میان خانواده، دوستان، همسایگان و اجتماعی نیست که آمادهٔ دفاع از او باشند. بنابراین، تورات نسبت به آزار آنها هشدار می دهد، زیرا خداوند مدافع آنهایی است که هیچ فریادرسی ندارند. این بُعد سیاسی دستور است. دلیل دوم چنان چه اشاره کردیم، آسیب پذیری روانی فرد غریب است (سخنان خود موسی را به یاد بیاوریم در هنگام تولد پسر اولش در دورانی که میان میدیانی ها زندگی می کرد: "من غریبی هستم در سرزمینی غریب". (خروج ۲:۲۲).

³ Ramban, commentary to Exodus 22:22.

غریب کسی است که خارج از هنجارهای امنیت سرزمین و تعلقات خود زندگی می کند. او تنها است و یا احساس تنهایی می کند - و خداوند در طول تورات نسبت به آه ستمدیدگان، احساس طرد شدن و فغان آنانی که صدایشان شنیده نمی شود، حساسیت خاص دارد. این بُعد عاطفی دستور مورد نظر است.

ربی خیم بن آتار (اور هخیم - نور زندگان) دیدگاه درخشانی افزوده، می گوید این تقدیس که بنی اسرائیل خود را فرزندان عهد با خدا می دانند، می تواند موجب شود که به آنانی که چنین پیشینه نیاکانی ندارند، به دیده فرودستی نگاه کنند. از این رو به آنها دستور داده شده که احساس برتری به گیر (فرد غریب) نکرده، بلکه فرودستی نیاکان خود در مصر را به یاد بیاورند. 4 دستور فروتنی در برابر غریبان از این پیشینه می آید.

هرگونه که به این قانون بنگریم، ملاحظه بی پایان برای غریبان، در کنار این یادآوری تاریخی که "شما خود بردگان بودید در مصر"، نکته ای تکان دهنده است. چنان که گویی از راه این مجموعه قوانین به گشودن راز وجودی یهودیان نزدیک می شویم. منظور تورات چیست؟

دلمشغولی نسبت به عدالت اجتماعی منحصر به یهودیان نبود. 5 ولی آنچه ما در روایت های اولیه تورات حس می کنیم، نبود حقوقی اولیه ای است که خارجی ها بتوانند به آن پناه ببرند. اتفاقی نبود که بخت سدوم و شهرهای دشت با قصد تجاوز به دو میهمان لوت، سرنگون شد. همچنین از دید ما پنهان نیست خطری که ابراهیم و اسحق پیش روی خود می دیدند وقتی ناچار به ترک خانه و پناه بردن به مصر یا سرزمین فلسطینی ها شدند. در هر سه رویداد (پیدایش فصل های ۱۲، ۲۰ و ۲۶) آنها متقاعد شده اند که زندگی شان در خطر است؛ ممکن است آنها را بکشند تا زنان شان را به حرمسرای پادشاه ببرند.

4 Ohr HaHayim, commentary to Exodus 22:20.

5 See Moshe Weinfeld, *Social Justice in Ancient Israel and in the Ancient Near East* (Jerusalem: Magnes Press, 1995).

همچنین در روایت یوسف، اشاره های پی در پی هست به این که در مصر به بنی اسرائیل همچون مطرودان می نگریستند (واژه ای شبیه "عبری" به صورت هیپرو در نوشته های غیر یهودی آن دوران پیدا شده که به نظر می رسد دارای معنای جانبی به شدت منفی است). به ویژه در یک آیه - وقتی برادران دومین بار با یوسف دیدار می کنند - از بدرفتاری با خود سخن می گویند:

آنها از یوسف جداگانه پذیرایی کردند و از برادران جداگانه، زیرا مصریان نمی توانستند با یهودیان غذا بخورند و این کار را مکروه می دانستند. (پیدایش ۴۳:۳۲)

در دنیای باستان چنین وضعیتی بود. نفرت از خارجی ها قدیمی ترین سوداها است. یونانیان غریبه ها را "بربر" می نامیدند، چون از نظر آنها با صدایی چون بع بع گوسفند حرف می زدند. ⁶ رمی ها همین اندازه نژادهای غیر هلنی را خوار می انگاشتند. صفحات تاریخ به خون هایی آغشته است که به نام اختلاف های نژادی یا قومی ریخته شده اند. دوران روشنگری، همچون "دوران جدید خردگرایی" وعده پایان دادن به همین وضعیت را داد. اما این اتفاق نیفتاد. در سال ۱۷۸۹ هنگام انقلاب فرانسه، در آستانه اعلام حقوق بشر، شورش هایی علیه جامعه یهودی آژاس در گرفت. نفرت نسبت به کارگران مهاجر انگلیسی و آلمانی در طول قرن نوزدهم ادامه یافت. در ۱۸۸۱ در ماریسی جمعیتی ده هزار نفری برای حمله به ایتالیایی ها و دارایی های آنها به راه افتاد.

بد آمدن از آن که شبیه خودی نیست، به قدمت بشریت است. این امر در مرکز تجربه یهودی بودن قرار دارد. اتفاقی نیست که یهودیت پس از پشت کردن به دو تمدن دنیای باستان متولد شد: ابراهیم تمدن بین النهرین را پشت سر گذاشت و موسی و بنی اسرائیل به مصر فرعون. تورات بزرگترین اعتراض جهان به امپراتوری و امپریالیسم است. این اعتراض چندین بُعد دارد. یکی، اعتراض به قصد توجیه هرم سلسله مراتب اجتماعی و قدرت مطلق حکمرانان به نام دین.

⁶ در زبان یونانی باستان، فعل barbarizein به معنای تقلید صداهایی بود که غیر یونانیان هنگام حرف زدن درمی آوردند و یا اشتباه های دستوری هنگام سخن گفتن به یونانی.

دیگری، اعتراض به بندگی توده ها برای حکومت - که در عملیات ساختمان سازی عظیم، نخست در بابل و سپس در مصر و برده سازی های مربوط به آنها جلوه کرد. سوم، بیرحمی ملت ها در جریان جنگ (موضوع پیشگویی های عاموس علیه ملت ها). ولی بی هیچ تردیدی، جدی ترین عمل ناروا از دید پیامبران و کتاب های موسی، استفاده از قدرت علیه بی قدرت ها بود: بیوه زنان، یتیمان و بالاتر از همه غریبان.

یهودی بودن یعنی غریب بودن. به دشواری بتوان این نتیجه گیری ها را پس زد که به همین علت به ابراهیم دستور داده شد که از سرزمین و خانه پدری بیرون برود؛ به این علت، خیلی پیش از تولد یوسف، به ابراهیم گفته شد که اخلاف او غریب خواهند شد در سرزمینی که مال ایشان نخواهد بود؛ به این علت، موسی ابتدا باید شخصا به رنج تبعید گرفتار می آمد تا سپس، به رهبری مردم برسد؛ به این علت، بنی اسرائیل پیش از به ارث بردن سرزمین خود باید دچار ستم می شدند؛ و به این علت، تورات این قدر اصرار دارد که این تجربه - در قالب بازگویی روایت پسخ همراه طعم فراموش نشدنی نان اسارت و سبزی های تلخ بردگی - باید به بخشی همیشگی از حافظه جمعی آنان تبدیل شود.

چون به عقب می نگریم، از این که تورات چه اندازه پدیده بیگانه هراسی و نفرت از غریبان را جدی گرفته، تکان می خوریم. گویی تورات با وضوح گفته: خرد ناکافی است. همدردی نامتناسب است. تنها نیروی تاریخ و حافظه آن قدر نیرومند است که بتواند وزنه ای در برابر نفرت بشود. تورات می پرسد چرا نباید از غریبان نفرت داشته باشید؟ زیرا زمانی خود شما در جایگاهی بودید که اینک او قرار دارد. شما از دل غریبان خبر دارید، زیرا زمانی در سرزمین مصر غریب بودید. اگر شما انسان هستید، او نیز هست. اگر او از انسان کمتر است، پس شما هم کمتر هستید. باید در قلب خود با نفرت بجنگید، همان گونه که من یک بار برای شما با بزرگترین فرمانروا و قدرتمندترین امپراتوری دنیای باستان، جنگیدم. من از شما کهن انگاره غریبان ساختم تا شما برای حقوق غریبان بجنگید - برای حقوق خود و دیگران، هر جا که

باشند، هر کس که باشند، از هر رنگ پوست یا از هر فرهنگ، زیرا آنها نه در شباهت با شما، بلکه در شباهت با من (خدوند) آفریده شده اند. تنها یک پاسخ با قدرت کافی هست برای این پرسش که چرا نباید از غریبان نفرت داشته باشم؟ زیرا غریب، خود من هستم.

شباهت شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان